



## حق نفقه حیوانات در فقه اسلامی

پدیدآورنده (ها) : رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین

فقه و اصول :: نشریه فقه، حقوق و علوم جزا :: زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴ - جلد ۱

صفحات : از ۵۳ تا ۶۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1874368>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بازشناسی حقوق حیوانات در فقه امامیه، با تاکید بر حق نفقه
- واکاوی موجبات ایجاد حق ارتفاق در فقه مذاهب اسلامی
- درنگی در حق استئسار در فقه اسلامی
- تحلیل ماهوی و آثار حق سبق در فقه مذاهب اسلامی
- مباحثی در حقوق زوجه (حق مهریه- حق نفقه) بنابر فقه امامیه و مذهب چهارگانه اهل سنت
- حق زن بر مازاد نفقه در فقه امامیه و حقوق ایران و انگلیس
- بررسی کیفیت انتقال حق در نتیجه انتقال عین در فقه اسلامی و حقوق ایران
- تفریق بین زوجین به سبب ناتوانی زوج در تامین نفقه زوجه در فقه اسلامی
- حق بر تعلیم و تربیت در فقه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی و ماهیت آن
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: سر بردن حیوانات با وسایل ماشینی

## حق نفقه حیوانات در فقه اسلامی

سید حسام الدین رفیعی طباطبایی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

نام نویسنده مسئول:

سید حسام الدین رفیعی طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳

### چکیده

حیوانات از مهم ترین مخلوقات هستند که حقوق ایشان امروزه بیش از هر موجود دیگری توجه بسیاری از اقشار انسانی را به خود جلب کرده است. از منظر فقه اسلامی حیوانات نیز مانند انسان ها دارای حقوق گوناگونی هستند. یکی از مهم ترین این حقوق، حق نفقه ایشان می باشد. چنان که حتی قرآن کریم در آیه ۶۰ از سوره مبارکه عنکبوت به فراهم کردن نیازهای ضروری و حاجت های مهم حیوانات اشاره کرده و حتی نام آنها را در کنار انسان ها ذکر نموده است. این مسأله اگرچه در میان حوزه های مختلف علمی موضوعی نسبتاً نوظهور است و برخی فعالان و پژوهشگران این حوزه معتقد بر مغفول ماندن جوانب بسیاری از آن هستند، لیکن این مغفول ماندن را نباید به معنای سکوت و غفلت ریشه ای و مبنایی دانست. بلکه مسأله حقوق حیوانات از حیث مبنا و پایه، چه در مستندات فقهی و چه در میان رویکردهای حقوقی دارای زوایای مختلف و نسبتاً کاملی است؛ که در آنها نه تنها جوانب مختلف موضوع مغفول نمانده، بلکه حتی می توان گفت تقریباً تمام جوانب آن را پوشش داده اند. لذا مغفول ماندن برخی از جوانب این مسأله نظیر حق نفقه حیوانات را در مقطع زمانی حال، می بایست ناشی از غفلت پژوهشی دانست. این مقاله بر آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی و نیز با بهره گیری از دیدگاه ها و مستندات فقهی اسلامی، به بررسی ابعاد و زوایای حق نفقه حیوانات از جمله مفهوم نفقه، وجوب، ضرورت و اهمیت نفقه حیوانات، دلیل اجبار مالک در مواقع لزوم پرداخت نفقه حیوان توسط حاکم اسلامی و وظیفه حاکم بر احقاق حق حیوان، مبانی فقهی ضمان نفقه حیوانات، تقدم حق نفقه حیوانات بر طهارت مائیه و نیز گستره نفقه حیوانات بپردازد.

**واژگان کلیدی:** نفقه، نفقه حیوانات، حقوق حیوانات، فقه اسلامی.

## مقدمه

انسان به عنوان برترین مخلوقات پروردگار یکتا از دیرباز تا کنون به نوعی علاقه مند است تا سایر مخلوقات به ویژه حیوانات را تحت سیطره خود قرار داده و از آنها در راستای حقوق و منافع خود بهره برداری کند. لیکن چنین تسلطی از منظر فقه اسلامی وظایف و تکالیفی را نیز برای انسان ها ایجاد می نماید؛ و به عبارت دیگر به تبع سیطره و تسلط نسل انسان بر حیوانات، حقوقی برای این موجودات نیز از منظر فقه اسلامی متصور است؛ و در مقابل وجود هر حقی برای حیوانات، تکلیف و وظیفه ای نیز برای انسان ها در مقررات فقهی وجود دارد. یکی از حقوق مهم حیوانات در فقه اسلامی، حق نفقه ایشان می باشد. در اغلب مقالات موجود پیرامون موضوع حقوق حیوانات، به ویژه از منظر فقه اسلامی، محققان عمدتاً اقدام به بررسی اکثر حقوق موجود برای حیوانات به صورت کوتاه و یکجا در قالب مقاله ای نموده اند. لیکن در پژوهش حاضر با توجه به افزایش اهمیت و جایگاه حقوق حیوانات در جامعه اسلامی امروزی و نیز مغفول ماندن بررسی مستقل هر یک از حقوق حیوانات، زوایا و مسائل مربوط به حق نفقه حیوانات را به صورت مقاله ای مستقل مورد بررسی قرار خواهیم داد. مانند این که نفقه در وهله اول دارای چه مفهومی است؟، ضرورت و اهمیت نفقه حیوانات تا چه میزانی است؟، تکلیف انسان به رعایت حق نفقه حیوانات دارای چه حکمی است و چه ضمانت اجرایی دارد؟، حاکم اسلامی در راستای احقاق این حق برای حیوانات چه نقشی دارد و در این خصوص دارای چه تکالیف و اختیاراتی است؟، تضمین حق نفقه برای حیوانات در فقه اسلامی بر چه مبنایی استوار است؟، گستره و دایره شمول حق نفقه حیوانات تا چه میزان است و آیا تنها شامل حال خود حیوان می باشد؟ و این که انسان مکلف به رعایت این حق نسبت به چه طیفی از حیوانات می باشد؟، حیوانات حلال گوشت یا حرام گوشت؟، حیوانات اهلی و مملوک یا وحشی و آزاد؟ و ... .

در این مقاله با بهره گیری از منابع و مستندات مرتبط با موضوع و نیز پژوهش های پیشین، در قالب کتب و مقالات - که بنابر رعایت اختصار و پرهیز از تکرار اسامی در ضمن بررسی مطالب در صفحات آتی به آنها اشاره خواهد شد - حق نفقه حیوانات در فقه اسلامی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ روش جمع آوری داده ها و گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش نیز بر اساس منابع کتابخانه ای الکترونیکی و غیر الکترونیکی، مشتمل بر مقالات، گزارش ها، کتب فقهی و حقوقی و متون قانونی مرتبط با موضوع است که با استفاده از ابزار فیش برداری مورد استفاده قرار گرفته اند.

## ۱. مفهوم نفقه حیوانات

نفقه را در لغت عرب برابر با «مصرف شدن و تمام شدن»، «اتلاف و فانی نمودن توشه»، «خروج و تمام شدن» و نیز «انقطاع و از میان رفتن» می دانند؛ (دهقان عفیفی، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۲) همچنین اسم مصدر از ریشه «نَفَقَ» می باشد و جمع آن «نَفَقَات» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۳۵۸).

همچنین در فرهنگ لغات فارسی از آن به معنای «خرج کردن»، «انفاق کردن و بخشیدن»، «آنچه انفاق و بخشش کنند» (عمید، ۱۳۸۱: ۱۲۱۶ و معین، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴۷۷۷) و نیز «هزینه زندگی و معیشت عیال و اولاد» یاد شده است؛ که از ریشه «نَفَقَ» و جمع آن «نَفَقَات»، «نَفَق» و «انفاق» ذکر شده است.

معنای لغوی مذکور در همگی موارد را می توان ناظر به «خرج کردن» و «هزینه نمودن» دانست؛ زیرا که معنای تلف کردن، مصرف شدن، تمام شدن، بخشیدن و از میان رفتن نیز، در حقیقت به نوعی در گرو خرج کردن پول می باشند و در واقع این خرج کردن و هزینه کردن پول است که تلف شدن، مصرف شدن، تمام شدن و از میان رفتن آن را به دنبال دارد. لذا با توجه به معنای لغوی آن می توان نفقه را شامل تمام هزینه های ضروری برای ادامه زندگی دانست که در خصوص انسان ها بر عهده سرپرست خانواده است و در بحث راجع به حیوانات، مالک یا متصرف نسبت به آن صدق می کند.

همچنین در اصطلاح فقهی از آن به عنوان خوراک، پوشاک و مسکن یاد شده است و «زوجیت»، «قربابت» و «ملکیت» را سه دلیل اصلی وجوب نفقه دانسته اند. (دهقان عفیفی، پیشین: ۴۳) در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز نفقه بر مبنای فقه این گونه تعریف شده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت و احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». (قانون مدنی ایران، اصلاحی ۱۳۸۱).

ممکن است که در نگاه اول تعاریف مذکور را مربوط به نفقه انسان دانست؛ لیکن با وجود ملاک هایی یکسان از قبیل جاندار بودن، برخورداری از ادراک و نیز وجود یکی از علل وجوب نفقه در مورد حیوانات، یعنی ملکیت، برخی از مصادیق نفقه انسان و حیوان را می توان مشترک دانست. مانند خوراک، محل سکونت و نگهداری، تأمین بهداشت و دیگر لازمه های ادامه حیات حیوان به صورت عقلانی و متعادل.

چنان که مشاهده می شود، دایره شمول حق نفقه به حیوانات تحت ملکیت و تصرف انسان محدود می شود و حیوانات آزاد در طبیعت را در بر نمی گیرد؛ زیرا بدیهی است که به تبع وجود حق مالکیت برای انسان نسبت به حیوان، برای وی حکم و تکلیف به انفاق وجود دارد. همچنین از نظر عقلانی نیز بعید است که غالب افراد در طبیعت به دنبال حیوانات آزاد بروند و مایحتاج و نیازهای ایشان را بر آورده سازند؛ مگر در موارد نادر که بپذیریم شخصی به قصد تفریح و یا به قصد خیرخواهی این امر را انجام بدهد؛ نه به عنوان تکلیفی که در قبال مالکیت خویش بر حیوان، بر عهده دارد. به عبارت دیگر حاجت حیوانات آزاد و غیر مملوک خود را به عنوان احسان و بر مبنای استحباب انجام دهد؛ نه به عنوان تکلیف و بر مبنای وجوب. (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۵)

## ۲. وجوب، ضرورت و اهمیت نفقه حیوانات

نفقه یکی از لوازم ملکیت و سرپرستی است که در فقه به عنوان امری واجب و لازم معرفی شده است. فقهای شیعه نفقه را برای عیال (همسر، فرزندان، پدر و مادر) و مملوکات انسان نظیر خدمتکاران و حیوانات، نیز واجب می دانند؛ اعم از این که حیوان تحت ملکیت انسان از هر نوع و گونه ای باشد، مفید باشد یا خیر، حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، اهلی باشد یا وحشی. (دهقان عقیفی، پیشین: ۴۱) باید توجه داشت که منظور از مفید نبودن حیوان این نیست که مضر و زیان آور باشد؛ بلکه مقصود این است که آن حیوانی فاقد کارایی و استفاده ای مانند حیوانات دیگر باشد. به عنوان مثال شخصی مالک گاوی است و با استفاده از آن حیوان، مزرعه خویش را شخم می زند و یا از شیر وی استفاده می کند. همچنین همان شخص پرنده کوچکی را نیز در مزرعه خود دارد. لیکن از آنجایی که شاید پرنده مذکور در عرف دارای فایده و کارایی کمتری نسبت به آن گاو باشد، نسبت به آن غیر مفید به شمار می آید. به عبارت دیگر وصف فایده، وصفی نسبی است و در مقایسه کارایی صاحب وصف با دیگری اعتبار آن تغییر می کند؛ نه این که مطلقاً بی فایده یا زیان آور باشد. لذا چه حیوان حلال گوشت باشد، چه حرام گوشت باشد، مانند سگ و گربه، مفید باشد یا خیر، اهلی باشد یا وحشی و نیز از هر گونه جانوری که باشد، نظیر پرنده، چهار پا، خزنده، آبی و ... این امر تأثیری در کاهش و یا سلب تکلیف مالک یا متصرف، نسبت به نفقه حیوان و تهیه مایحتاج وی ندارد و در هر صورت رعایت حق نفقه حیوان بر شخص لازم و واجب است.

در نتیجه، نفقه، که به آن در اصطلاح عرفی خرجی نیز گفته می شود، صرفاً مربوط به انسان نبوده و حیوانات تحت تصرف و ملکیت وی نیز حقی بر ذمه صاحب و مالک خویش دارند؛ و در مقابل وجود حق نفقه برای حیوان، برای فردی که حیوان را تحت ملکیت و تصرف خویش دارد حکم و تکلیف وجود دارد؛ و از زاویه ای دیگر نیز می توان این تکلیف را ناشی از حق مالکیت خود شخص نیز دانست. زیرا که در مقابل هر حقی تکلیفی نیز وجود دارد.

بنابراین، انسان مکلف به رعایت حق مذکور در قالب پرداخت نفقه است. لذا در صورت عدم ایفای تکلیف خود مبنی بر پرداخت نفقه حیوان، مسئول است و برای وی ضمان وجود دارد؛ یعنی بر مالک واجب و لازم است که به این حکم تن دهد و در غیر این صورت مورد اجبار حاکم واقع می شود.

اگر لوازم معیشت و حیات حیوان نزد صاحب و مالک وی وجود نداشته باشد ولی شخص دیگری دارای آن لوازم باشد، واجب است که صاحب حیوان آن لوازم را از آن شخص خریداری کند؛ لیکن اگر شخص مورد نظر از فروش امتناع بورزد، صاحب مال مجاز است در صورت وجود اضطرار، با ضمانت مثل یا قیمت، آن لوازم را غصب کند. درست همان گونه که غصب ماده ضروری و حیاتی در مواقع اضطرار برای انسان جایز است. البته باید توجه داشت که غصب لوازم مذکور تنها در صورتی جایز است که، خود شخص دارنده لوازم و یا حیوانی که متعلق به او می باشد، احتیاج حیاتی و ضروری به آن نداشته باشند. (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۲)

همچنین اهمیت نفقه حیوانات به حدی است که حتی در برخی از منابع فقهی، غذا دادن به حیواناتی نظیر ماهی ها، به عنوان یکی از مصادیق بارز صدقات معرفی شده است و برای آن ثواب بسیار زیادی ذکر گردیده است؛ (همان: ۱۱) علاوه بر آن برخی از فقهای بزرگ همانند مرحوم علامه حلی (ره) در بحث جواز وقف، پس از اشاره به جایز بودن وقف برای خدمت به کعبه و حرم معصومین علیهم السلام، حکم به جواز وقف برای نفقه حیوانات در راه خدا می کنند که نشان از اهمیت و حسن سرشار مسأله نفقه حیوانات دارد. (مقیمی حاجی، ۱۳۸۵: ۱۶۰) بنابراین می توان در مقابل پرداخت نفقه و تهیه نیازهای حیوانات مملوک و اهلی به عنوان امری واجب، رسیدگی به نیازهای حیوانات آزاد و وحشی را به عنوان امری مستحب و دارای اجر اخروی قلمداد کرد. (رفیعی طباطبایی، پیشین: ۶۹-۶۷)

## ۳. تأمین نفقه حیوانات توسط حاکم

تأمین نفقه حیوانات در صورت عدم تأمین آن توسط مالک، می بایست توسط حاکم صورت گیرد. کلمه «حاکم»، اسم فاعل از «حکم» است و چنان که از فاعل بودن آن در امر حکم کردن استنباط می شود، برای آن در لغت، معانی متعددی از قبیل «سلطان»،

«امیر»، «پادشاه»، «رئیس حکومت»، «فرمانده»، «فرمانروا»، «فرماندار»، «والی»، «استاندار»، «خاقان»، «خان»، «قاضی»، «داور» (عمید، پیشین: ۵۵۵ و معین، پیشین، ج ۱: ۱۳۳۴) و تعبیری از این نوع، که همگی دلالت بر اقتدار شخص در صدور حکم، دستور، رأی و فرمان دارند، قابل تصور است.

در اصطلاح نیز حاکم را به پیروی از معنای لغوی آن می توان شخصی صاحب اقتدار و وظایف و اختیارات مشروع، مبنی بر صدور نوعی حکم و دستور دانست؛ که گاهی ممکن است دلالت بر نظام سیاسی حاکم و شخص اول آن کند، گاهی نیز مقام مافوق، این اختیار را به مقامات مادی و زبردست خود تفویض کرده و دلالت بر ایشان کند. به طور مثال نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران وظیفه رفع تنازعات و رسیدگی به اختلافات ملت و احقاق حقوق ایشان را به دستگاه قضایی واگذار کرده است (قانون اساسی ایران، ۱۳۶۸، اصل ۱۵۶) و به جهت تسریع در انجام امور، این اقتدار میان قضات در نواحی گوناگون به اشتراک گذاشته شده است. همچنین چنان که مشاهده می شود مفهوم حاکم، در نگاه اول دارای شخصیتی حقوقی است، مانند رجوع به محکمه و یا قالب امروزی آن نظیر دادگستری و دادگاه ها؛ (همان، اصل ۱۵۹) و اگر مفاهیم دال بر اشخاص حقیقی نظیر شخص قاضی، دادستان، داور، نماینده وزارت، فرماندار، بخشدار، بازرس، رئیس و ... را نیز داخل در قلمرو مفهوم حاکم می دانیم، به این دلیل است که ایشان در واقع، مأمور اجرای امور تحت اقتدار آن نهادی می باشند که نظام سیاسی اسلامی حاکم بر کشور، مافوق آن است. به عبارت دیگر، دلالت مفهوم حاکم بر اشخاص حقیقی مذکور، بر مبنای اعتباری است که ایشان از ناحیه حاکم مافوق خود دارند؛ و آنها نیز نماینده دولت و نظام سیاسی حاکم بر کشور هستند.

در فقه اسلامی و نیز به پیروی از آن، در قوانین حکومتی اسلامی، حاکم مرجع رسیدگی به اختلافات و احقاق حق می باشد. لذا با توجه به آنچه بیان شد، رایج ترین مصداق آن را در جامعه امروزی به جهت عمومیت، می توان قاضی دانست؛ که در اینجا نیز همین معنا مد نظر است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۲۰۷) دلیل این امر در حدیث نبوی به چشم می خورد و فقهای شیعه نیز از آن پیروی کرده اند. رسول خدا صلوات الله علیه و آله، در حدیثی می فرمایند: «السُّلْطَانُ وَلِيٌّ مِّنْ لَا وَلِيَّ لَهُ»؛ یعنی: «سلطان ولی و سرپرست کسی است که ولی و سرپرستی ندارد»؛ که در اینجا نیز مفهوم حاکم از واژه سلطان، استنباط می شود.

لذا بدیهی است حیوانی که مالکش به او توجهی ندارد و از پرداخت نفقه و تهیه نیازهای وی، چه به عمد و چه به دلیل عدم توانایی مالی، خودداری می کند؛ تحت سلطه سلطان عادل یا همان حاکم است و از جمله بندگان خدا به شمار می رود که هیچ سرپرستی از او حمایت نمی کند. بنابراین چنین حیوانی از مصادیق «مَنْ لَا وَلِيَّ لَهُ» به شمار می رود و حاکم بر او در راستای حمایت از حقوقش، ولایت پیدا می کند. (دهقان عقیفی، پیشین: ۵۱)

حاکم به عنوان حامی بندگان بی سرپرست پروردگار در زمین، از ناحیه خداوند وظایفی را نیز در زمینه حمایت از حقوق حیوانات دارد؛ زیرا که دایره شمول بندگی پروردگار، تنها به نسل بشر محدود نمی شود و تمامی مخلوقات الهی عبد و بنده آفریدگار خویش به شمار می روند؛ و در واقع حیوان زبان بسته ای که تحت ملکیت و یا تصرف انسان است، مانند انسانی بی دفاع و در حمایت آدمی است.

زمانی که مالک حیوانی از پرداخت نفقه حیوان و رفع نیازهای ضروری آن، به هر دلیلی اعم از ارادی یا جبری، خودداری نماید، به عبارت دیگر چه به صورت عمد و چه غیر عمد نفقه حیوان را نپردازد، حاکم ملزم است که در قدم اول فرد را اجبار به پرداخت نماید. درست همان گونه که در مورد نفقه زوجه انسان نیز می تواند اقدام کند. چنان که ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی نیز به پیروی از فقه مقرر داشته است: «زن می تواند در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند؛ در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». (قانون مدنی ایران، ۱۳۱۴) در قدم دوم اگر مالک حیوان باز هم از پرداخت نفقه خودداری نماید و یا امکان انجام آن را نداشته باشد، حاکم می تواند به نیابت عمل کرده و حیوان را از هلاکت نجات دهد؛ به این صورت که اگر مالک حیوان مالی دارد از مال وی و اگر دارای مالی نیست به هر طریق ممکن حیوان را حفظ کند؛ در غیر این صورت می تواند مالک را اجبار به فروش حیوان به شخصی دیگر کند. درست مانند حالتی که در مورد زوجه نیز وجود دارد و حاکم شخص را به لحاظ عدم رعایت حق نفقه زوجه و متضرر شدن وی، به پایان رابطه زوجیت، در قالب طلاق اجباری ملزم می کند، در اینجا نیز رابطه ملکیت را به دلیل ورود ضرر به مملوک، به اجبار در قالب فروش حیوان، پایان می دهد. چنان که قانونگذار اسلامی در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه». (همان) همچنین اگر تأمین مایحتاج زندگی حیوان با اجاره دادن آن امکان پذیر باشد، حاکم می تواند اقدام به اجاره حیوان نماید؛ علاوه بر آن در مواقع لزوم، خود حاکم نیز به جهت ولایتی که دارد می تواند نسبت به فروش، اجاره و سایر اقدامات در مورد حیوان اقدام کرده و پس از آن، مبالغ دریافت شده را به مالکش بپردازد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۱۶)

در منابع فقهی در این باره آمده است که اگر حیوان حلال گوشت باشد صاحب آن بین سه نوع استفاده مخیر است: ۱- دادن نفقه، ۲- تذکیه، ۳- فروش؛ و اگر حرام گوشت باشد بین دو نوع استفاده مخیر است: ۱- دادن نفقه، ۲- فروش. (نائینی، ۱۳۷۸: ۴۸) بنابراین اگر صاحب حیوان در وهله اول نیازهای حیوان را تأمین نکند (نفقه وی را نپردازد) و همچنین حسب مورد آن را تذکیه (ذبح کردن، بسمل

کردن، بریدن گلولی حیوانات حلال گوشت (عمید، پیشین: ۴۲۱ و معین، پیشین: ۱۰۵۷) نیز نکند و به فروش هم نرساند، در اینجا حاکم می تواند مطابق مطالبی که گفته شد، وی را در مرحله اول اجبار به تأمین نفقه و در صورت عدم امکان، اجبار به فروش نماید. همچنین انجام هر نوع اقدامات جایگزین نظیر اجاره حیوان و یا سپردن وی به پناهگاه ها و مراکز نگهداری حیوانات در جامعه امروزی؛ و تعیین چگونگی برخورد با مالک و طریقه اجبار وی نیز به تشخیص حاکم است.

از جمله نمونه های ورود و دخالت حاکم اسلامی در راستای حمایت از حقوق حیوانات در کشورمان، می توان به انجام اقدامات نظارتی در قالب بازرسی ها و صدور آیین نامه ها و بخش نامه های گوناگون، توسط برخی نهادهای دولتی ذیربط نظیر سازمان دامپزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست، معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، سازمان شیلات، سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری و ادارات تابعه هر یک و نیز دخالت دستگاه های قضایی و انتظامی در پیگیری تخلفات مرتبط با حقوق حیوانات در قالب مقابله با متخلفین و صدور احکام قضایی اشاره کرد.

مسأله جالب توجه دیگری که می بایست از ناحیه مالک، و نیز در مواقعی که حاکم در قضیه ورود می کند از ناحیه وی، مورد دقت و توجه قرار گیرد این است که، در فرض تعدد حیوانات واجب النفقه و کافی نبودن لوازم حیاتی، چگونه می بایست عمل کرد؟ به طور مثال اگر آب تنها به مقداری باشد که یکی از حیوانات را بتوان نجات داد، در چنین مواقعی تکلیف چگونه است؟ فقها دو فرض را در نظر گرفته اند:

اول این که اگر تمام حیوانات از تمام جهات با یکدیگر مساوی باشند، مانند گوسفندانی کاملاً یکسان، شخص مکلف، در به کار بردن وسیله حیات برای ادامه زندگی هر یک از حیوانات آزاد و مخیر است.

دوم این که اگر حیوانات از همه جهات با یکدیگر مساوی نباشند، مانند سگ گله و گوسفند، به این دلیل که پایان دادن به حیات گوسفند با ذبح شرعی کاملاً مشروع است، ولی مردن سگ از تشنگی خلاف آن است، لذا آب به سگ داده می شود تا حیوان بدون علت هلاک نشود. همچنین ممکن است حیوانی بتواند تا مدتی بدون آب و غذا زنده بماند، مانند شتر؛ لیکن حیوان دیگر چنین توانی را نداشته باشد. لذا در این حالت نیز مسلم است که می بایست آب به حیوان ناتوان تر داده شود و با وحدت ملاک می توان گفت چنانچه در میان گوسفندان، بره ای نیز موجود باشد، به علت ناتوانی می بایست آب به وی داده شود؛ زیرا احتمال زنده ماندن گوسفندان بالغ، برای مدتی بیشتر ممکن به نظر می رسد. (جعفری، پیشین: ۱۱۹-۱۱۸)

درک بهتر از ضمان نفقه و دلیل اقدامات این چنینی توسط حاکم و نیز علت یکسان بودن انسان و حیوان در برخی احکام مربوط به نفقه، مستلزم بررسی مبانی ضمان نفقه است؛ تا به راحتی به علت وظایف حاکم و یکسان بودن حمایت وی از انسان و حیوان در موارد حدوث مشکلات مذکور پی ببریم. لذا توجه به مبانی مذکور نیز ضروری به نظر می رسد. (رفیعی طباطبایی، پیشین: ۷۴-۶۹)

#### ۴. مبانی ضمان نفقه حیوانات

##### ۴-۱. سنت معصومین و سیره عقلا

سکونی نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «حیوان بر صاحب خود شش حق دارد: این که بیشتر از نیرویش بر او باری حمل نکند، زمانی که بر پشت حیوان سوار است سخنرانی نکند، زمانی که پیاده می شود غذای وی را تهیه نماید، بر جسم حیوان با داغ نهادن علامت گذاری نکند، بر صورت او نزند زیرا که آن زبان بسته هم تسبیح خدا را می گوید، زمانی که از کنار آبی می گذرد اجازه دهد تا حیوان آبی بنوشد». (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۳۷)

همچنین آمده است که: «روزی پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله، مشغول وضو گرفتن بودند که در این اثنا، گربه ای به ایشان پناه آورد. آن حضرت پی بردند که حیوان تشنه است که با مشاهده آب به آن سو آمده است؛ پس ظرف آبی را که از آن وضو می گرفتند به طرف حیوان بردند و او از آن ظرف آب نوشید». (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۸۶)

شاید این نکته به ذهن خطور کند که حیوان در روایت فوق متعلق به حضرت نبوده است که اتفاق بر ایشان واجب باشد؛ لیکن اولاً بر اساس حکم عقل و حداقل حتی عاطفه انسانی می توان به زیبایی و صحت عمل ایشان اذعان کرد؛ و نیز ثانیاً از آنجایی که حیوان از تشنگی به ایشان پناه آورده تا آن حضرت به داد وی برسد، لذا ایشان در اینجا در حکم دادرس و یا حاکمی بوده اند که به طریق ممکن نیاز حیوان را رفع کرده اند و ولی موجودی بوده اند که حمایتی نداشته است. همچنین دلیل دیگری که در رفتار شخص پیامبر صلوات الله علیه و آله، با حیوان نهفته است، رعایت «تقدم حق حیات و نفقه حیوان بر طهارت مائیه» است که در مطالب پیش رو به آن اشاره خواهد شد.

مرحوم صاحب جواهر (ره) در جواهرالکلام ذکر کرده اند: «از جمله حقوق واجب حیوان، تهیه نیازمندی حیوان به محل استراحت است، که به تناسب زمان و مکان تغییر می کند». (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۵)

فقهای شیعه به پیروی از کتاب خدا و سنت معصومین علیهم السلام، حتی از توجه به حقوق کوچکترین حیوانات نظیر کرم ابریشم نیز غافل نشده و تصریح کرده اند که چون حیات کرم ابریشم، بسته به برگ درخت توت است، لازم است که مالکش او را حفظ کند و از جان دادن او جلوگیری نماید؛ و اگر برگ توت کم باشد و مالک اعتنایی به کرم ابریشم نکند، حاکم از مال وی می فروشد و برای حیوان، برگ خریداری می کند. (فریدونی، ۱۳۴۵: ۲۵۱)

همان طور که مشاهده می شود، روایات مذکور به روشنی دلالت بر پذیرش مصادیق حق نفقه، از قبیل آب، غذا و محل استراحت، در سنت معصومین علیهم السلام و سیره عقلا دارند. البته روایات فوق به هیچ وجه حصری نبوده و جنبه تمثیلی دارند؛ و ما نیز بنابر رعایت اختصار، به نمونه های فوق الذکر بسنده می کنیم. (رفیعی طباطبایی، پیشین: ۷۵-۷۴)

## ۴-۲. قواعد فقهی

### ۴-۲-۱. قاعده حرمت روح

اولین قاعده ای که می تواند در رابطه با مبانی ضمان نفقه، مورد استناد قرار گیرد، «قاعده حرمت روح» است؛ به این معنا که هر جاندار به دلیل برخورداری از روح، محترم است و حرمت دارد و تا زمانی که جواز شرعی موجود نباشد، تعرض به آن جاندار حرام و ممنوع است. این قاعده شامل تمام جانداران اعم از انسان و غیر انسان می باشد، لذا در اینجا تنها به بیان نمونه های مرتبط با حیوانات می پردازیم. به عنوان مثال در حدیثی از رسول خدا صلوات الله علیه و آله نقل شده است: «از کشتن هر حیوانی بپرهیزید زیرا صاحب روحی است که خداوند به وی اعطا کرده و نیازهای او را رفع کنید؛ مگر این که وجودش آزاری در پی داشته باشد».

همچنین فقها نیز حرمت روح را یکی از دلایل وجوب نفقه دانسته اند و بر همین مبنا برای آن ضمان در نظر گرفته اند. شهید ثانی (ره) آورده اند: «هر کس مالک حیوانی شود، علوفه و نوشیدنی آن بر عهده وی خواهد بود. زیرا روح او دارای حرمت است». (دهقان عیفی، پیشین: ۵۰-۴۹)

### ۴-۲-۲. قاعده حرمت اسراف

قاعده دیگری که در رابطه با ضمان نفقه می تواند مورد استناد واقع شود قاعده «حرمت اسراف» است. (همان: ۵۱) برخی از آیات و روایات موجود بیانگر این هستند که اسراف، از جمله رذائل اخلاقی و نیز عملی مذموم و حرام است.

قرآن کریم در قسمتی از آیه ۱۴۱ سوره انعام به صراحت می فرماید: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ «اسراف نکنید، که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد». در آیه ۲۷ سوره اسراء نیز می خوانیم: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ «بی تردید اسراف کنندگان، برادران شیطان هستند و شیطان همیشه نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است». همچنین در آیه ۳۱ سوره اعراف نیز، همین امر به وضوح قابل مشاهده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد».

سخنانی از معصومین علیهم السلام نیز در مذمت اسراف وجود دارد. به طور مثال، حضرت امام سجاد علیه السلام در دعایی می فرمایند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْبِنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ»؛ «خداوندا بر محمد و آل وی درود بفرست و مرا از اسراف و زیاده روی دور کن». (واحد مطالعات و تحقیقات سازمان اوقاف، ۱۳۷۵: ۳۱۷)

استناد به دلایل فوق از این جهت است که خودداری از پرداخت نفقه و تهیه لوازم ضروری زندگی حیوان، باعث از بین رفتن وی می شود. همچنین از آنجایی که موضوع حق نفقه در میان حیوانات، تنها حیوانات تحت ملکیت انسان می باشند و این حیوانات دارای وصف مالیت هستند، نابودی ایشان برابر است با از بین رفتن مال توسط انسان؛ که خود از مصادیق اسراف به شمار می رود. لذا ضروری است که انسان با پرداخت نفقه، از نابودی حیوان جلوگیری نماید. (رفیعی طباطبایی، پیشین: ۷۷-۷۶)

## ۵. تقدم نفقه حیوانات

در دین اسلام یکی از شرایط لازم و ضروری در انجام فرایض عبادی نظیر نماز، روزه، حج و ... برخورداری شخص مکلف از طهارت و پاکی جسم است؛ و اهمیت این موضوع تا جایی است که در صورت ادای این تکالیف و عبادات بدون طهارت، اعمال انجام شده توسط شخص مردود شمرده می شوند.

حال اگر میزان آب موجود به حدی نباشد که شخص بتواند هم طهارت مورد نظر خود - مانند وضو یا غسل - را انجام دهد؛ و هم تشنگی حیوانی را رفع نماید، یعنی آب موجود تنها در حد انجام یکی از این دو امر باشد، در این حالت با «تزاحم بین دو واجب» مواجه

هستیم؛ یعنی انجام دو حکم واجب پیش روی ماست، یکی انجام فریضه عبادی نماز، یکی هم رفع تشنگی حیوان برای ممانعت از تلف شدن آن، لیکن نمی دانیم انجام کدام یک از تکالیف واجب مذکور در اولویت قرار دارد.

در مورد این حالت، فقها با استنباط از منابع اسلامی به اتفاق، حکم به تبدیل «طهارت مائیه» به «طهارت ترابیه» داده اند. یعنی به جای آب می بایست با خاک تیمم کرد و آب را جهت حفظ حیات حیوان و یا حسب مورد برای ادای حق نفقه، در اختیار وی قرار داد. این عمل را می توان ناشی از سنت فعلی رسول خدا صلوات الله علیه و آله با گربه ای دانست که هنگام وضو گرفتن به دلیل تشنگی به سوی ایشان آمد و آن حضرت ظرف آب را در اختیار حیوان قرار دادند؛ که پیش تر به آن اشاره شد. (ناجی جزایری، پیشین)

به طور مثال مرحوم امام خمینی (ره) در بیان مواقع لزوم تیمم می فرماید: «از آن جمله این که استعمال آب موجب خوف عطش بر حیوان محترمی باشد...» و همچنین در مسأله دیگری فرموده اند: «...در عطش که موجب هلاکت است، فرقی نیست بین آن که خوف هلاکت بر خودش باشد یا دیگری، آن دیگری انسان باشد یا حیوان، مملوک باشد یا غیر مملوک از آنچه که حفظ آن از هلاکت واجب است...». (موسوی خمینی، بی تا: ۱۸۵)

چنان که مشاهده شد، حضرت امام (ره) در نظرات خود قائل به این هستند که این تقدم در برخورداری از آب - به عنوان یکی از مصادیق نفقه حیوان - اعم از حیوان مملوک و آزاد است و شامل حال هر دو نوع می شود. زیرا در صورتی می توانیم آن را نوعی نفقه بدانیم که به طریق اولی قائل به حق حیات برای حیوانات باشیم. بدیهی است که، حق حیات مقدم بر سایر حقوق است؛ زیرا تنها در صورتی می توانیم بپذیریم که حیوان از حقوق گوناگون نظیر نفقه برخوردار است که در وهله اول زنده و در قید حیات باشد.

حال در صورتی که شخص طهارت خود را به حق حیات و یا حق نفقه حیوان ترجیح دهد و به این واسطه جان حیوان به خطر افتد؛ در صورتی که حیوان مملوک بوده و متعلق به وی باشد، از حیث ضمان نفقه، وی مسئول است؛ زیرا قواعد حرمت روح و حرمت اسراف در اینجا صادق هستند و اگر شخص با عمل خود باعث مرگ حیوان شده باشد، در ابتدا به استناد قاعده حرمت روح و سپس چون مال خود را اسراف کرده است به استناد قاعده حرمت اسراف مقصر است و مشمول ضمانت اجرایی مربوطه اعم از کیفر دنیوی یا اخروی می شود. لیکن اگر حیوان آزاد باشد و تحت ملکیت شخص نباشد، وی تنها بنابر قاعده حرمت روح و به دلیل سلب حق حیات حیوان به واسطه عمل خود مقصر به شمار می آید؛ چون در اینجا دیگر حیوان مال متعلق به شخص نبوده است که مصادق اسراف مال به شمار آید و مشمول قاعده حرمت اسراف شود. (رفیعی طباطبایی، پیشین: ۸۰-۷۷)

## ۶. گستره نفقه حیوانات

همان گونه که مشاهده شد حق نفقه را علی الاصول می توان برای حیوانات تحت تصرف و ملکیت انسان پذیرفت. به عبارت دیگر هر گاه حیوانی بخشی از اموال شخصی به شمار آید، مالک آن ملزم و مکلف به پرداخت نفقه حیوان است. همچنین مشاهده شد که در بعضی از مواقع به صورت استثناء، حیوانات آزاد را نیز می توان مشمول دریافت نفقه از ناحیه انسان دانست؛ به این صورت که هرگاه حیوانی به انسانی پناه آورد، شخص می بایست در حد امکان از وی نگهداری نماید و حسب مورد به نسبت نیاز حیوان، وی را از مصادیق نفقه بهره مند سازد. مانند این که حیوانی تشنه به سوی انسانی بیاید و شخص او را سیراب کند؛ و یا حیوانی مجروح به وی پناه آورد و شخص از وی پرستاری کند. حالت دیگر این که انسان به صورت داوطلبانه و با رضایت خود، به نیت احسان به سوی حیوانات آزاد رفته و نیازهای ایشان را رفع سازد، مانند این که به قصد دادن آب و غذا به حیوانات به سوی ایشان برود. نکته حائز اهمیت این است که چه حیوان تحت ملکیت شخص باشد و چه حیوان آزادی باشد که به وی پناه آورده یا خود انسان به سویش رفته باشد، در صورتی که انسان حاجتی را در حیوان مشاهده کند بر مبنای شرع و اخلاق، شخص مکلف و ملزم به رفع حاجت حیوان (پرداخت نفقه) است؛ و در صورت امتناع چنانچه آسیب و ضرری متوجه حیوان شود شخص ضامن است و تخلف وی دارای ضمانت اجرای اخروی است؛ به این معنا که در نزد پروردگار مسئول است. همچنین ممکن است تخلف وی در حق حیوان مشمول ضمانت اجرای دنیوی در قالب جرم انگاری و مجازات در قوانین حکومتی اسلامی نیز باشد و حسب مورد مسئولیت قانونی شخص را نیز اعم از مدنی یا کیفری به دنبال داشته باشد.

حال سؤال اینجاست که نفقه حیوانات شامل چه مواردی می شود؟

به طور خلاصه می توان گفت که نفقه و لوازم زندگی حیوان اعم است از خوراک، آب، محل سکونت و استراحت، دارو، بهداشت و نظافت و هر مورد دیگری که برای معیشت و ادامه حیات وی ضروری است. لذا موارد مورد نظر به هیچ وجه حصری و محدود به تعداد خاصی نبوده و به نسبت شرایط هر حیوان ممکن است متفاوت باشد. به طور مثال حیوان خانگی مملوک (اهلی) و حیوان آزاد (وحشی) از جهت برخورداری از محل سکونت با یکدیگر متفاوت اند، چرا که حیوان خانگی به دلیل مأنوس شدن با حیطه زندگی انسانی و از دست دادن مهارت سکونت در طبیعت، نیازمند محلی برای سکونت و استراحت از قبیل لانه، طویله، اصطبل و ... است؛ در حالی که برای حیوانات آزاد و وحشی (معین، پیشین، ج ۴: ۴۹۹۰ و عمید، پیشین: ۱۲۴۲-۱۲۴۱) (وحشی به معنای آزاد و مأنوس با حیات وحش، نه فقط به معنای

درنده، بلکه تمام حیوانات موجود در حیات وحش، اعم از درنده و غیر درنده) بهترین محل سکونت زیستگاه طبیعی ایشان است و بنابر مهارت طبیعی خویش قادر به یافتن محلی برای سکونت و استراحت هستند.

به عنوان مثالی دیگر می توان به قول مرحوم صاحب جواهر (ره) اشاره کرد که می فرمایند: «اگر حیوان بتواند در مراتع و دیگر جایگاه های قابل تغذیه زندگی خود را تأمین کند، مالک حیوان می تواند آن را برای چریدن و آشامیدن رها کند؛ و اگر حیوان نتواند از آن جایگاه ها زندگی خود را تأمین کند، واجب است مالک وسایل معیشت حیوان را فراهم کند. همچنین اگر حیوان نتواند به حد کافی تغذیه خود را اداره کند، واجب است مالک بقیه تغذیه او را به حد کفایت تأمین نماید». (نجفی، پیشین: ۳۹۴)

همچنین مالک علاوه بر نفقه خود حیوان، در صورتی که حیوان دارای بچه باشد مکلف به تأمین نفقه او نیز می باشد. بنابراین اگر حیوان دارای بچه شیرخوار باشد، باید به اندازه کفایت تغذیه بچه، شیر در سینه مادر نگهداری شود. لذا اگر شیر موجود در سینه مادر، تنها به میزان کفایت تغذیه فرزندش باشد، دوشیدن شیر حیوان حرام است. لیکن اگر دوشیدن شیر حیوان به فرزندش ضرری نرساند و یا فرزند حیوان، توانایی تغذیه از طریق چریدن را داشته باشد، دوشیدن شیر حیوان واجب است؛ زیرا در غیر این صورت مال مفید و قابل مصرف، اسراف می شود. (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۳۵۴ و رفیعی طباطبایی، پیشین: ۸۲-۸۰)

## ۷. اختلاف اساسی برخی از فقهای اهل سنت

از آنجا که در مقاله حاضر علی الاصول دیدگاه فقهای شیعه تا کنون مورد بررسی قرار گرفته است و اصل نیاز به تصریح جداگانه ندارد، لذا در این قسمت از مقاله اختلاف دیدگاه برخی از فقهای اهل سنت را به صورت مستقل مورد اشاره قرار می دهیم. چرا که استثناء نیازمند تصریح است.

ابن نجیم فقیه مصری اهل سنت در کتاب البحر الرائق نفقه را عبارت می داند از تأمین مخارج شخصی مانند غذا، لباس، مسکن و امثال آن. (ابن نجیم، ۱۴۲۲ ق: ۲۶۴) سپس در ادامه بیان می دارد که نفقه در مورد قرابت و زوجیت مطرح می گردد؛ و به صراحت می گوید نفقه در زوجیت به معنی وجوب پرداخت نفقه زوجه توسط زوج؛ و در قرابت به معنی وجوب پرداخت نفقه اقارب از ارحام توسط اقارب می باشد. (همان و صادقی، ۱۳۹۰: ۹۴)

چنان که از بیان ابن نجیم اهل سنت پیداست، در خصوص مصادیق نفقه و نیازهای ممکن جهت رفع، اختلافی در این دیدگاه با دیدگاه فقهای شیعه وجود ندارد. زیرا همان گونه که در مطالب گذشته بررسی گردید، فقهای شیعه نیز مصادیق نفقه و اقلام ممکن جهت تأمین آن را محدود به مورد خاصی نکرده اند. به عبارت دیگر از حیث مصادیق قابل تأمین جهت انفاق، میان فقیهان شیعه و دیدگاه ابن نجیم، تفاوتی به چشم نمی خورد. چرا که هیچکدام مصادیق نفقه را به طور حصری بیان نکرده اند و بیان موارد مذکور در دیدگاه ایشان به صورت تمثیلی است و چه بسا به نسبت شرایط و اوضاع و احوال فرد واجب النفقه، حوائج دیگری جهت تأمین مطرح باشند.

لکن وجه اختلاف اساسی دیدگاه فقیهان شیعه با دیدگاه ابن نجیم را می توان در این دانست که، فقیهان شیعه چنان که بیان شد، موجبات انفاق را سه چیز می دانند. زوجیت، قرابت و ملکیت. حال آن که در دیدگاه مذکور به نقل از ابن نجیم، تنها زوجیت و قرابت به عنوان موجبات انفاق پذیرفته شده اند و اشاره ای به ملکیت به عنوان سبب انفاق به صورت مستقل نگردیده است.

لذا می توان از این اختلاف اساسی چنین برداشت نمود که در این دیدگاه اصولاً موجود مملوک، واجب النفقه تلقی نشده است. و از آنجا که برقراری وضعیت زوجیت و قرابت میان انسان و حیوان صدق نمی کند، لذا می توان گفت که بر اساس این دیدگاه ابن نجیم نفقه حیوانات را مدنظر قرار نداده است. البته نه این که به طور مطلق گفته شود قائل به تأمین نیازهای حیوان نمی باشد؛ بلکه با چنان بیانی که ذکر شد، ملکیت موجب تکلیف انسان بر پرداخت نفقه دانسته نشده است.

همچنین علاءالدین کاسانی حنفی نیز در کتاب بدائع الصنائع، تنها زوجیت و قرابت را موجب تکلیف بر پرداخت نفقه قلمداد کرده و صحبتی از ملکیت به عنوان یکی از موجبات انفاق به میان نیاورده است. لذا آنچه در خصوص دیدگاه ابن نجیم بیان شد، از دیدگاه کاسانی نیز قابل نتیجه گیری است. (کاسانی حنفی، ۱۴۲۰ ق: ۴۱۷)

## نتیجه

نفقه را به عنوان یکی از حقوق مهم حیوانات از منظر فقه اسلامی می توان عبارت از کلیه نیازهای اساسی و مایحتاج ضروری جهت ادامه حیات حیوانات از قبیل آب، غذا، مسکن، بهداشت، لوازم کار با ایشان و همچنین هزینه های تأمین چنین مواردی دانست. با توجه به مستندات فقهی گوناگون و مبانی ضمان نفقه حیوانات در قالب آیات، روایات، سیره عقلای اسلام و قواعد فقهی، به روشنی می توان به وجوب حکم انفاق در حق حیوانات مملوک در مقررات شرع مقدس اسلام و نیز اهمیت آن پی برد؛ و رعایت حق نفقه حیوانات را بنابر تأثیر

مستقیم آن در حفاظت از حق حیات ایشان ضروری دانست. و در خصوص حیوانات وحشی و غیر مملوک نیز می توان از حیث احسان و بر مبنای استحباب، انفاق در حق ایشان و تهیه نیازهای آنها را دارای اجر اخروی دانست. همچنین در صورت تخلف شخص مکلف که مالک یا متصرف حیوان می باشد، از ادای تکلیف خود که عبارت از رعایت حق نفقه حیوان در قالب پرداخت هزینه ها و تهیه نیازهای اساسی وی می باشد، حاکم اسلامی در قالب مصادیق رایج آن می تواند به مجرا ورود کرده و شخص مذکور را ملزم و مجبور به انفاق نماید؛ و یا در صورت عدم امکان، حسب مورد و با در نظر گرفتن مصلحت امر، اقداماتی نظیر فروش و اجاره حیوان را به عنوان چاره در نظر بگیرد. به علاوه این که در خصوص رعایت این حق نسبت به حیوانات موضوع آن، از حیث دایره شمول تفاوتی میان حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت، اهلی و وحشی و یا انواع و گونه های مختلف ایشان و یا اندازه آنها هرچند کوچک وجود ندارد. لذا به صراحت می توان اذعان داشت که رعایت حق نفقه حیوانات از منظر فقه اسلامی امری واجب و ضروری بوده و عدم رعایت آن مسئولیت و مجازات متخلف را به صورت اخروی یا دنیوی در پی خواهد داشت.



## منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (جلد ۱۰). لبنان: نشر دارالفکر.
- [۳] ابن نجیم، زین الدین. (۱۴۲۲ ق). البحر الرائق شرح کنز الدقائق (جلد ۳). بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
- [۴] پور محمدی، شیما. (۱۳۸۴). گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب (قسمت اول). نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۳۹.
- [۵] جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر گنج دانش.
- [۶] جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۷). رسائل فقهی (جلد ۱). بی جا: مؤسسه نشر کرامت.
- [۷] حلی، محمد بن ادریس. (۱۴۱۱ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- [۸] دهقان عقیفی، ناهید. (۱۳۹۵). مبانی ایجاب نفقه حیوانات خانگی از دیدگاه فقه حکومتی. فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی. ۴.
- [۹] رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین. (۱۳۹۷). بررسی حقوق حیوانات در پرتو قوانین موضوعه و اسناد بین المللی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. گروه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- [۱۰] رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین. (۱۳۹۷). حقوق حیوانات در پرتو قوانین موضوعه و اسناد بین المللی. تهران: نشر آذر فر.
- [۱۱] صادقی، محمد. (۱۳۹۰). نفقه در مذهب حنفی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقهی فلسفی. ۷.
- [۱۲] عبداللهی علی بیک، حمیده. (۱۳۸۳). قاعده اضطرار (الضرورات تبیح المحذورات). فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (مطالعات اسلامی). ۶۳.
- [۱۳] عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- [۱۴] فریدونی، حسین. (۱۳۴۵). بررسی حقوق حیوانات در اسلام و قوانین روز. پایان نامه دکتری. گروه دامپزشکی. دانشکده دامپزشکی. دانشگاه تهران.
- [۱۵] قانون اساسی ایران. (۱۳۶۸). مصوب شورای بازنگری قانون اساسی.
- [۱۶] قانون مدنی ایران. (۱۳۸۱). مواد اصلاحی مصوب مجلس شورای اسلامی و (۱۳۱۴) مواد مصوب مجلس شورای ملی.
- [۱۷] کاسانی حنفی، علاءالدین. (۱۴۲۰ ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (جلد ۳). بیروت: نشر دارالمعرفه.
- [۱۸] کلینی، ابوجعفر. (۱۴۰۷ ق). الکافی (جلد ۶). تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
- [۱۹] معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی معین (جلد ۱ و ۴). تهران: چاپ سپهر.
- [۲۰] مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). حقوق حیوانات در فقه اسلامی. نشریه فقه اهلبیت علیهم السلام. ۴۸.
- [۲۱] موسوی خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریرالوسیله (جلد ۱). ترجمه علی اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۲] نائینی، علیرضا، ربانی، محمد. (۱۳۷۸). حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث. نشریه دانشور. ۲۶.
- [۲۳] ناجی جزایری، سید هاشم. (۱۳۷۹). حمایت از حیوانات در اسلام (جلد ۱). قم: نشر دارالثقلین.
- [۲۴] نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد ۳۱). بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
- [۲۵] واحد مطالعات و تحقیقات سازمان اوقاف و امور خیریه. (۱۳۷۵). ترجمه و شرح صحیفه سجادیه. تهران: انتشارات اسوه.